

«شرق» در گفت‌وگو با کورش احمدی بررسی کرد

## چرا قاره سبز چهره‌ای ضدایرانی به خود گرفته است؟

اگرچه هم‌زمان با آغاز اعتراضات شکاف نسبی بین قاره سبز با جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت؛ اما به نظر می‌رسد در روزهای اخیر شدت عمل، موضع‌گیری و نگاه ضدایرانی اروپایی‌ها با محوریت سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان به قدری اوج پیدا کرده است که تقریباً شاهد یک گسل کم‌سابقه در مناسبات دو طرف هستیم. علاوه بر اعمال تحریم، ملاقات رسمی با چهره‌های ایزیسین و جنگ لفظی کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی ایران اکنون تلاش‌هایی برای اجماع جهانی هم در دستور کار اروپایی‌ها قرار گرفته است؛ اما چه شد که اروپا به این درجه از سیاست تهاجمی ضدایرانی رسید، سوآلی است که «شرق» پاسخ آن را در گفت‌وگو با کورش احمدی، دیپلمات پیشین کشور و تحلیلگر مسائل بین‌الملل بی‌گفته است.



سرخوردگی اروپا از احیای توافق هسته‌ای که باعث تشدید نگاه ضدایرانی شده است، می‌توانست برعکس عمل کند؛ یعنی اگر دولت رئیسی، مذاکرات را در مسیر درستی قرار می‌داد و تا پیش از آغاز اعتراضات شاهد حصول توافق می‌بودیم، آیا موضوعاتی مانند مرگ مهسا امینی، اعتراضات و حتی ادعای ارسال پهپاد از سوی ایران به روسیه می‌توانست باعث ایجاد چنین شکافی در روابط قاره سبز و تهران شود؟ اگر مذاکرات برجام به وقت خود در تابستان سال گذشته به نتیجه می‌رسید یا اینکه نهایتاً در پاییز ۱۴۰۰ نهایی می‌شد، منافع بسیار زیادی برای ایران شکل می‌گرفت که مهم‌ترین آن منافع اقتصادی و تجاری است. متأسفانه در همین مدت دولت رئیسی درآمدهای ناشی از لغو تحریم را از دست داده است و به موازاتش اگرچه فروش نفت تا حدودی انجام می‌شود؛ اما این فروش نفت با ارزان‌فروشی، تخفیف و هزینه‌های فراوان دیگری برای جمهوری اسلامی ایران همراه است؛ اما احیانشدن برجام ادعای دیگری مانند ابعاد امنیتی هم دارد. در این زمینه اروپایی‌ها نگاه امنیتی جدی به توافق هسته‌ای دارند و آن را در اولویت‌های بالاتری قرار می‌دهند؛ چون از نظر جغرافیایی، اروپا به خاورمیانه و ایران نزدیک‌تر است و آمریکا در آن سوی اقیانوس قرار دارد؛ بنابراین هرگونه تحولی در پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران یا ناامنی در خاورمیانه به شکل مستقیم روی امنیت اروپا اثرگذار است. در نتیجه برجام برای اروپا اولویت امنیتی دارد. با در نظر گرفتن این نکته اگر احیای توافق هسته‌ای حاصل می‌شد طبعاً زمینه برای اینکه روابط رو به رشدی بین ایران و اروپا شکل بگیرد و به دنبال آن مناسبات و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک افزایش پیدا کند، به وجود می‌آمد. در این صورت کلاً روابط ایران و قاره سبز توسعه پیدا می‌کرد و فضای مثبت شکل می‌گرفت. این فضای مثبت بی‌شک بر موضوعاتی مانند ارسال پهپاد اثر کاهنده خود را می‌داشت تا جایی که به باور من شاید مسئله جنگ اوکراین سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد. در چنین بستری حتی واکنش اروپا به اعتراضات در ایران بر اثر تعامل بین طرفین تا این اندازه تند، تهاجمی و خصمانه

ایران درباره احیانشدن برجام و حواشی آن به وجود آید. از این‌رو اروپایی‌ها در نظر دارند در این زمینه فشارهایی را به ایران وارد کنند. موضوع دیگری که باعث ایجاد شکاف و بحران در روابط ایران و قاره سبز شده است، به جنگ اوکراین بازمی‌گردد. باید این نکته را در نظر گرفت که اوکراین به نوعی در حرم امنیتی اروپا قرار دارد؛ بنابراین جنگ اوکراین یک مسئله «امنیتی بلافاصل» برای قاره سبز به‌شمار می‌رود. حال در چنین شرایطی ادعاهایی مبنی بر ارسال پهپاد و دیگر تسلیحات از ایران به روسیه مطرح شده است. پس طبیعی است که این موضوع هم باعث ایجاد شکاف کنونی در روابط ایران و اروپا شود تا جایی که نتوانست یک چالش امنیتی را در روابط دو طرف به وجود آورد. در نتیجه اروپا با یک سیاست تهاجمی و ضدایرانی در نظر دارد مانع از تداوم ارسال پهپاد و دیگر تسلیحات از سوی ایران به روسیه شود. موضوع سوم به اعتراضات در ایران بازمی‌گردد. تداوم اعتراضات در کشور زمینه‌ای منفی را در روابط ایران و قاره سبز ایجاد کرده است؛ چون اکنون افکار عمومی اروپا وارد معادلات سیاسی و دیپلماتیک دو طرف شده‌اند. تا پیش از این موضوعاتی مانند پرونده هسته‌ای ایران برای افکار عمومی اروپا اهمیت چندانی نداشت و به‌همین دلیل افکار عمومی وارد معادلات نشده بودند؛ اما مسئله اعتراضات، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی رسانه و نظایر آن به‌طور وسیعی در اروپا انعکاس پیدا کرده است و اکنون افکار عمومی در اروپا به نوعی بسیج شده است. همین شرایط فشارهایی را به سیاستمداران و دولت‌های اروپایی وارد کرده است تا یک نگاه ضدایرانی را اجرائی کنند. ضمن اینکه ایرانیان مقیم کانادا، آمریکا و اروپا هم تحرکات جدیدی یافته‌اند. به‌همین دلیل عناصر، عوامل و لابی‌های ضدجنگ و ضدتحریم که عملکرد آنها به سود ایران بود، به‌شدت ضعیف شده‌اند. این امر اهرم فشارهایی را که قبلاً در اختیار ایران بود و به سود تهران عمل می‌کرد، بی‌اثر کرده است. همین نکته انعکاس جدی در روابط ایران و اروپا پیدا کرده و شکاف کنونی را شکل داده است.

◆ به پارامتر و موضوع برجام قدری دقیق‌تر بپردازیم. آیا



عکس: ژانوف رسیمی

به این فاکتورها و علایم توجه نداشتند و آن ادعا را مطرح می‌کردند؟ بدون تردید اروپا در راستای «همه‌چیز را همگان دانند» می‌توانستند با هم‌فکری و همکاری با متحدان یک برنامه‌ریزی و طرح مشترک برای عبور از فصل سرما داشته باشند؛ اما اگر حتی این فصل سرما به بدترین حالت ممکن هم شکل می‌گرفت، باز تغییری در اولویت‌های امنیتی اروپا ایجاد نمی‌کرد.

◆ با این تفاسیر باید پرسید که آیا اروپا به دنبال انتقام از تهران در سایه احیانشدن برجام، ارسال پهپاد و اعتراضات است؟

مسئله انتقام مطرح نیست. طرز تلقی دو طرف ما را به این وضعیت کشانده است. به‌رحال اروپا و آمریکا امیدوار بودند که در مسئله برجام به توافق برسند تا تکرانی‌های ادعایی خود را درباره پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرتفع کنند. وقتی این توافق صورت نگرفت، اکنون برداشت اروپا شاید این شده است که ایران از ابتدا قصد توافق نداشته است. در مقابل در داخل ارزیابی اشتباه برخی مدیران تصمیم‌گیر باعث تأخیر در ازسرگیری مذاکرات و احیانشدن برجام شده است اما همین وضعیت این ارزیابی را در طرف اروپایی و آمریکا شکل داده است که شاید اساساً ایران به دنبال توافق نیست؛ بنابراین اکنون اروپا رفتار دست به عصا و محافظه‌کارانه خود را در قبال ایران کنار گذاشته است و اکنون با تمام قوا علیه جمهوری اسلامی وارد عمل شده‌اند. علاوه بر برجام موضوع ارسال پهپاد و اعتراضات داخلی هم مزید بر علت شد. مجموعه این شرایط باعث شده است که اکنون اروپا نوعی نگاه امنیتی‌سازی را در برابر جمهوری اسلامی ایران اجرائی کند.

نمی‌شد؛ یعنی در کل احیای برجام تأثیرات تخفیف‌دهنده‌ای در این دو موضوع (پهپاد و اعتراضات) می‌داشت و روابط ایران و اروپا به این نقطه و شکاف حال حاضر نمی‌رسید.

◆ در میانه مذاکرات مردامه که شبانه حصول توافق را برنگ کرده بود، شاهد مطرح‌شدن تزی به نام «پاییز و زمستان سرد اروپا بودیم که دولت رئیسی را به سمت تأخیر در مذاکرات کشاند؛ چون این تصور وجود داشت که با آغاز فصل سرما، اروپا به دست و پای ایران می‌افتد. اکنون روابط سرد قاره سبز با ایران جای آن تیز پاییز و زمستان سرد اروپا را گرفته است؛ آیا یک تیز تا به این حد می‌تواند برای سیاست خارجی کشور چالش‌زا باشد؛ هرچند شما هم در همان زمان در یادداشتی این ادعا را زیر سؤال بردید.

تیز پاییز و زمستان سرد از اساس اشتباه بود؛ چون این تصور که فصل سرما باعث تغییر بنیادین در سیاست اروپا شود، کاملاً نادرست است. نگاه اروپا به جنگ اوکراین و روسیه یک نگاه «امنیتی» بوده و هست. در این فضای امنیتی، اروپایی‌ها همیشه خود را برای بدترین سناریوها آماده می‌کنند. در همین زمینه در انگلیسی ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید «خود را برای بدترین‌ها آماده کن، هرچند می‌توان امیدوار بود بهترین‌ها هم رخ دهد»؛ بنابراین اروپا در قبال جنگ اوکراین و روسیه خود را برای بدترین سناریو و یک وضعیت حاد امنیتی آماده کرده بود. پس طبیعی است که پاییز و زمستان سرد فاکتوری تعیین‌کننده برای تغییر رفتار اروپا در قبال روسیه، جنگ اوکراین و به تبع آن ایران نمی‌توانست باشد؛ کمالاتی تا اینجا کار هم نبوده است. حالا این سؤال مطرح است که چگونه برخی افراد و رسانه‌ها در داخل کشور

◆ با توجه به مجموعه اقدامات، مواضع و رفتارهای قاره سبز و به‌خصوص سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان در دو ماه اخیر به نظر می‌رسد ما شاهد یک گسل و شکاف کم‌سابقه در روابط اروپایی‌ها با جمهوری اسلامی ایران هستیم. به گونه‌ای که برخی معتقدند تداوم این شرایط ما را به نقطه‌ای مانند «بحران میکونوس» می‌رساند. آیا شما قائل به این مسئله هستید یا خیر؟

خیر.

◆ چرا؟

چون فضای کنونی به‌طور کلی متفاوت با بحران میکونوس در دهه ۱۹۹۰ است. در جریان دادگاه میکونوس اتهامی تک‌موضوعی با ادعای فعالیت‌های تروریستی در خاک اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شده بود و به دلیل صدور حکم دادگاه علیه ایران نهایتاً کشورهای اروپایی خود را ناچار از این می‌دیدند که باید عکس‌العملی درباره رای دادگاه میکونوس داشته باشند که به احضار سفرای اروپایی منجر شد؛ اما با روی‌کارآمدن سیدمحمد خاتمی و تلاش‌های صورت‌گرفته در حوزه سیاست خارجی نهایتاً مشکل به‌تدریج برطرف شد؛ ولی مشکل کنونی در روابط ایران و اروپا یک مشکل چندموضوعی، چندبُعدی و چندوجهی است.

◆ مشخصاً با چند موضوع در بحران فعلی در روابط ایران و اروپا مواجهیم؟

به‌طور مشخص سه موضوع باعث ایجاد شکاف در روابط اروپا و ایران شده است. اولین مسئله به برجام و مذاکرات هسته‌ای بازمی‌گردد. به‌رحال تأخیر در حصول توافق و احیای برجام و بن‌بست کنونی در مذاکرات وین علاوه بر تأثیرگذاری مستقیم، تبعات دیگری را هم در بر داشته است. یکی از این تبعات به اختلافات جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازمی‌گردد. به دلیل همین نگاه و شرایط اکنون صدور قطع‌نامه‌های ضدایرانی در دستور کار شورای حکام هم قرار گرفته است که به لحاظ حقوقی لحنی تندتر از دو قطع‌نامه پیشین دارد. همین موضوع سبب شده است که اکنون اختلافاتی بین اروپا و جمهوری اسلامی

The Longines Legend Diver Watch



Elegance is an attitude

لونژین  
LONGINES

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

Tel.: +98 21 226.137.52